



تفسیر عرفانی جوہر الذات

شیخ فرید الدین عطار نیشابوری

حسین لاشی

دقراول - جلد اول

« هو »

پیش‌گفتار

کتاب نفیس جوهر/ذات از جمله آثار گران‌قدر عارف بزرگ شیخ فریدالدین عطار می‌باشد که برخی از نویسندگان بدون آنکه از محتوای معنوی آن به‌خوبی آگاه باشند به استناد برخی دلایل ضعیف ظاهری در صحت انتساب آن به شیخ عطار تردید کرده‌اند، حال آنکه اگر کسی با احوال و اندیشه‌های عارفانه آن عارف بزرگ آشنا و مأنوس باشد به‌خوبی درمی‌یابد که محتوای کتاب جوهر/ذات نه‌تنها از سایر آثار شیخ که مسلم دانسته شده است کم و کاستی‌ای ندارد بلکه از آن جهت که شیخ عطار در این اثر درصدد کشف اسرار عرفانی است برخی از مطالب این کتاب، گران‌سنگ‌تر از مطالب سایر آثار اوست. آثار مشهور شیخ عطار، جز کتاب تذکره/الاولیاء که در آن به شرح احوال و سخنان مشایخ صوفیه پرداخته است، جنبه تعلیمی و تربیتی عارفانه دارد در حالی که کتاب جوهر/ذات از یک‌سو برخوردار از شیوه تغزلی و عاشقانه است و از سوی دیگر درصدد آشکارساختن برخی از اسرار طریقت است که البته فهم دقیق و درست آن جز برای اهل معنا میسر نیست. چنان‌که شیخ در مقدمه کتاب تذکره/الاولیاء یادآور می‌شود، سخنان اولیا و مشایخ طریق همچون سرپوشی است که بر روی معانی آن نهاده شده است و آن معانی جز برای اهل آن قابل کشف نیست. وقتی شیخ از جوهر یا گوهر ذات سخن می‌گوید درصدد آشکارساختن این معناست که گوهر ذات الهی در درون و باطن انسان حضور دارد اما انسان از این حقیقت غافل است. در واقع، شیخ با طرح این موضوع درصدد کشف سرّ آیه کریمه ﴿و هو معکم اینما کنتم﴾ (سوره مبارکه حدید، آیه ۴) است. وقتی شیخ از خدا شدن انسان سخن می‌گوید نه به معنای آن است که انسان تبدیل به خدا می‌شود، بلکه مقصود زائل شدن منیت انسان است که با زائل شدن آن، دیگر انسانی در میانه نیست و آنچه باقی می‌ماند خداوند است که از طریق جلوه و نمایش خاکی حضور خود را در عالم کثرت اعلام می‌کند. این همان معنای آیه کریمه ﴿کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام﴾ (سوره مبارکه الرحمن، آیه ۲۶) و آیه کریمه ﴿کل شیء هالک الا وجهه﴾ (سوره مبارکه قصص، آیه ۸۸) است.

گاه شیخ از انسانی سخن می‌گوید که عین ذات خداوند است. این نه بدان معناست که این انسان خداست، بلکه مقصود آن است که آنچه در ذهن انسان به عنوان ذات خداوند تصور می‌شود، همانا انسان کل است که ظاهر او جلوه کامل اسماء و صفات الهی است، زیرا حق متعال قبل از تجلی و ظهور هیچ‌گاه به ادراک و معرفت انسان در نمی‌آید که این همان معنای «الله اکبر» است. خداوند پس از تجلی نیز به صورت انسانی ظاهر می‌

شود که باطن او مجموع همه اسماء و صفات الهی است و این همان معناست که فرمود: «نحن اسماء ا... الحسنى»^۱

یکی دیگر از اسرار مکشوف در این کتاب این است که انسان وقتی به کمال برسد، درمی یابد عالمی را که تا قبل از آن بیرون از خود تصور می کرد، در درون خود او حضور و جریان دارد.

معانی ای را که به اختصار از آن سخن گفتیم اگرچه قابل طرح به شیوه عقلانی خاصی نیز است، که در شرح این اثر و سایر آثار شیخ گاه گاهی بدان اشارت داشته ایم، اما شیخ را در این کتاب کاری با استدلال عقلانی نیست، بلکه به زبان کشف و دریافت شهودی خویشتن از آن ها سخن می گوید و جان طالب معنا را از شراب معرفت و عشق سیراب می کند. نیز در برخی ابیات، شیخ عطار از ناتوانی خویش در ایام پیری سخن به میان آورده است و از غمخواری و اسیری به عنوان ویژگی این ایام یاد کرده است. این می تواند بهترین توجیه برای عدم استحکام این منظومه در برخی از ابیات باشد.

شیخ عطار در هیچ یک از آثار خویش به اندازه این اثر بر ضرورت رعایت شریعت تأکید نورزیده است. در این کتاب، شریعت مقدمه طریقت است و هر دو از لوازم وصول به حقیقت به شمار آمده اند.

یکی از مشکلات این کتاب عدم وجود نسخه تصحیح شده از آن است. همین مطلب فهم برخی از ابیات را مشکل و گاه غیرممکن ساخته است. امید است در آینده به همت برخی از اهل ادب، در صورت یافت شدن نسخه های مختلف و معتبر، این مهم میسر شود.

کتاب حاضر شرحی است بر برخی از ابیات کتاب جوهر/الذات که در جلسات متعدد درسی در طول چند سال ارائه شده است. برخی از ابیات با شرحی کوتاه و برخی دیگر بدون شرح آمده اند، زیرا یا نیاز به شرح نداشته اند یا شرح آن ها در ابیات مشابه در درس های قبل آمده است. تکرار برخی از مطالب نیز به اقتضای طرح مطالب در طول چند سال می باشد که امید است نه تنها موجب ملال نگردد، بلکه خواننده را به فهم دقیق نزدیک تر کند.

حسین لاشیء

زمستان ۱۴۰۱

۱. الکافی، جلد ۱، صفحه ۱۴۳.